خبر

انتصاب مدیرکل صداوسیمای مرکز اصفهان

پیمان جبلی در حکمی، یوسف افشاری نیا را به سمت مدیرکل صداوسیمای مرکز اصفهان منصوب کرد. به گزارش روابط عمومی رسانه‌ملی، رئیس سازمان صداوسیما این ماموریت‌ها را برای افشاری‌نیا تعیین کرده است: تلاش در مسیر عدالت رسانه‌ای با تدوین برش استانی سند تحول و فهرست‌ها و پیوست‌های مربوط و تمهید جهش فکری و کیفی در تولید محتوای حرفه‌ای و مردمی، انجام تدابیر لازم برای هم افزایی حداکثری رسانه‌ملی با ظرفیت‌های فکری، فرهنگی، علمی و مدیریتی منطقه و تعامل فعال با جبهه فرهنگی ـ اجتماعی انقلاب اسلامی، توجه ویژه به حوزه‌های مغفول عملیات رسانه‌ای اعم از روستاها، نخبگان و فرهیختگان، پشتیبانی رسانه‌ای از سبک زندگی ایرانی ـ اسلامی و انقلابی.یوسف افشاری‌نیا، متولد شهرستان شهرضا از توابع استان اصفهان بوده و دانش آموخته مقطع دکترای تخصصی در رشته ادبیات عرفانی از دانشگاه اصفهان است. وی همکاری خود را با سازمان صداوسیما از دوران دانشجویی در دانشگاه تهران آغاز کرد و در سال ۱۳۷۷ به استخدام صداوسیما در آمد. افشاری‌نیا از ایثارگران و جانبازان شاغل در رسانه‌ملی است و قبل از این مدیرکل مرکز چهارمحال و بختیاری بوده و مدیر کلی مرکز کهگیلویه و بویراحمد، معاونت سیمای مرکز اصفهان، معاونت سیما و صدای مرکز خوزستان، مدیریت تأمین و پخش سیما و صدای مرکز کهگیلویه و بویراحمد از سوابق مدیریتی او در رسانه‌ملی است.

یادداشت

تکیه کلام‌های دوست داشتنی

مهدیه رضایی
گروه رسانه

اگر بخواهیم ریشه تکیه‌کلام و میزان اثرگذاری آنها را مورد بررسی قرار دهیم، متوجه خواهیم شد قبل از آن‌که نویسندگان در نگارش فیلمنامه‌های‌شان یا بازیگران هنگام بازی در آثار نمایشی تکیه کلام‌هایی را در کارهای‌شان بگذارند که فضای خنده و شیرینی کار را افزایش بدهند، دوبلورها این کار را به زیبایی در آثارشان انجام داده‌اند.

در واقع گویندگان در فیلم و سریال‌های دوبله شده خارجی از تکیه کلام‌های خاصی استفاده می‌کردند که همان زمان هم تأثیر زیادی را روی ادبیات عامه مردم داشت و آنها تا مدت‌ها از آن استفاده می‌کردند. هر چند استفاده از این تکیه‌کلام‌ها به شکل مقطعی بود و بعد از مدتی مردم جای آن تکیه‌کلام‌های قدیمی را به تکیه‌کلام‌های جدید می‌دادند.

این اتفاق بعدها راهی آثار داخلی تلویزیون شد و هنرمندان برای با نمک شدن نقش‌هایی که در سریال‌ها بازی می‌کردند از تکیه‌کلام‌های جذابی بهره می‌بردند که مورد توجه مردم قرار می‌گرفت و معمولا در حرف‌های روزمره شان استفاده می‌کردند، حتی این اتفاق همچنان در کشور ما ادامه دارد و کافی است در یکی از سریال از یک تکیه کلام چند بار استفاده شود، آن وقت است که دهان به دهان می چرخد و مردم برای با نمک شدن حرف‌های‌شان از این تکیه کلام‌ها استفاده می‌کنند.

گرچه تکیه‌کلام‌ها بار محتوایی چندانی ندارد اما لبخند را مهمان لب‌های مردم می‌کند و همین تاثیر لحظه‌ای، جذابیت‌های خاص خودش را دارد. این اتفاق در مجموعه‌های طنز رونق بیشتری گرفت و سازندگان این آثار بیشتر از این مقوله تا امروز استفاده کرده‌اند، زیرا نیت استفاده از آن خنداندن مخاطب است و چون معمولا مخاطب بعد از شنیدن یک حرف یا جمله تکراری در دراز مدت ـ هر چند با ربط یا بی‌ربط باشد ـ خنده‌اش می‌گیرد، نباید چندان پیگیر بار معنایی و میزان اثرگذاری آن در جامعه بود.

اما واقعیت این است که این تکیه‌کلام‌ها هر قدر هم که در مدت زمان کوتاهی در جامعه استفاده شود و جایش را به‌سرعت به تکیه‌کلام دیگری دهد اما در همان زمان کوتاه در میان مخاطبان با گروه‌های سنی مختلف جای خودش را باز می‌کند و نمی‌توان نسبت به بار معنایی و مفهومی آن بی اعتنا بود و صرفا به آن نگاه گذرا و طنز داشت.

درضمن باید اعتراف کرد پیدا کردن اولین کاری که تکیه‌کلامش در میان مردم گل کرد، کار راحتی نیست اما در بین آثار مختلفی که از تلویزیون پخش شد از همان سریال‌های اول نظیر «شاه دزد» که سال ۵۹ روی آنتن رفت این اتفاق‌ها رقم خورد. بعد هم تکیه‌کلام در سریال «آینه» و شخصیت آتقی با آن لحن و شیوه به‌خصوص بین مردم رواج پیدا کرد و دامنه آن هم به سریال‌هایی نظیر «آرایشگاه زیبا» هم کشیده شد.

در این سریال تکیه کلام «آدم باید منطق داشته باشه» هم حسابی ورد زبان مردم شده بود. سریال «باز مدرسم دیر شد» با وجودی که نام یک سریال بود که اکبر عبدی در آن نقش پسر بچه بازیگوشی به اسم محسن را بازی می‌کرد اما بعدها به تکیه کلامی بدل شده بود که معمولا والدین و معلمان در مواجهه با بچه‌های خوش خواب و تنبل از آن استفاده می‌کردند.

البته تعداد آثار نمایشی که از تکیه‌کلام‌ها استفاده کردند، بسیار زیاد است اما از کارهای اخیر می‌توان به سریال «نون خ» اشاره کرد که سعید آقاخانی که در کنار کارگردانی، بازیگری هم می‌کرد برای شخصیتی که داشت چند تکیه‌کلام استفاده کرد که مورد توجه مردم قرار گرفت.

گزارش «جام جم» از تکیه‌کلام‌های

کلام‌هایی که

زینب علیپور طهرانی
گروه رسانه

تلویزیون به‌عنوان مهم‌ترین و تاثیرگذارترین رسانه نقش بسیار مهمی د
این‌رو سریال‌سازان و برنامه‌سازان باید توجه بیشتری به محتوا و مض
دیالوگ‌های شخصیت‌های اصلی قصه خود داشته‌باشند، چرا که بچه‌ها
روزمره دیالوگ‌هایی از اطرافیان می‌شنویم که یادآور فیلم‌ها و سریال‌هایی
البته این اتفاق بیشتر برای سریال‌های ۹۰ شبی دهه‌های گذشته می‌افتا
روزمره استفاده می‌کردند. تکیه‌کلام‌هایی که بین مردم رواج پیدا کرد و
در گذشته جزو آثار پربیننده بودند و تکیه‌کلام‌های‌شان مورد توجه مر
سریال‌های گذشته و یادآوری تکیه‌کلام‌ها جالب است در این گزارش همرا

دانش‌آموز سر به هوا

«بازم مدرسه‌ام دیر شد، حالا چی کار کنم». این جمله را بارها از زبان اکبر عبدی در مجموعه «بازم مدرسه‌ام دیر شد» شنیده‌ایم. با همان گویش و لحن خاصی که داشت. اکبر عبدی نقش دانش‌آموز سر به هوا و بازیگوشی به نام محسن را بازی می‌کرد که همیشه برای دیر رسیدن به مدرسه و ماندن پشت درهای بسته بهانه‌ای پیدا می‌کرد که اغلب به‌دلیل بازیگوشی‌اش و تماشای تئاتر خیابانی از مدرسه غافل می‌شد. این سریال سال ۱۳۶۲ برای شبکه یک ساخته و پخش شد و خانواده‌ها مدام از این سریال برای بچه‌هایی که عادت دیر رسیدن به مدرسه داشتند یاد می‌کردند و تکیه‌کلامش را به کار می‌بردند. هنوز هم خیلی‌ها از این واژه استفاده می‌کنند.

کد بالا را اسکن کنید

یک آرایشگاه پرماجرا

«انسان باید منطق داشته باشد». محمود بصیری در سریال «آرایشگاه زیبا» که سال ۱۳۶۹ برای شبکه دو ساخته شده‌بود، نقش اصلان را بازی می‌کرد و برای گرم شدن، خودش را به آرایشگاه اسد خمارلو و جمع دوستان و رفقا می‌رساند و دائم از این جمله استفاده می‌کرد که همین باعث شده‌بود همان سال‌ها سر زبان‌ها بیفتد و مخاطبانی که بیننده این سریال بودند مدام از این جمله استفاده کنند.

تا جایی که هنوز هم وقتی کسی این جمله را می‌شنود، از آن سریال یاد می‌کند. این خصوصیت تکیه‌کلام‌های سریال‌های آن دوران بود که با شنیدن تکیه‌کلامش، می‌شد نام سریال را گفت.

عروسک دوست‌داشتنی

«اکسال نداره»، به‌یادماندنی‌ترین دیالوگی که در یک مجموعه نمایشی به‌کار برده می‌شد. آن هم از زبان یک عروسک به نام کلاه قرمزی که چشمان درشتی داشت و به گونه‌ای نگاه می‌کرد که فکر می‌کردی روح و احساس دارد. این سریال سال ۱۳۸۸ برای نخستین‌بار از تلویزیون پخش شد و کلاه قرمزی و تکیه‌کلام‌هایش به سرعت بین مردم جا باز کرد. تکرار جمله «آقای مجری» توسط این عروسک دوست‌داشتنی هم به یکی از تکیه‌کلام‌های معروف او تبدیل شده‌بود. در کنار او عروسک دیگری به نام «پسرخاله» هم بود که مدام می‌گفت: «مگه چیه؟ نون بخرم؟ نفت بخرم؟». در طول این سال‌ها عروسک‌های دیگری هم به این مجموعه اضافه شدند که هر کدام تکیه‌کلام‌های بانمکی داشتند اما هیچ‌کدام به جذابیت و ماندگاری کلاه قرمزی و پسرخاله نرسید.

کد بالا را اسکن کنید

خانه‌ای که سبز بود

«قهریم، ولی حرف که می‌زنیم». زنده‌یاد خسرو شکیبایی ایفاگر نقش رضا صباحی در سریال «خانه سبز» وقتی با همسرش عاطفه با بازی مهرانه مهین ترابی بحث و مشاجره می‌کرد، این جمله را به‌کار می‌برد. جمله‌ای که شاید در دل خود، پیام‌های مهمی برای زوج‌های جوان داشت. چون همین جمله باعث می‌شد که قهر آنها طولانی نشود. هنوز هم زوج‌های بسیاری از این جمله استفاده می‌کنند. خانواده صباحی عروسی داشتند به نام لیلی که هر وقت مادرشوهر و خواهرشوهرش از دست او عصبانی می‌شدند می‌گفتند: «دختره ۴۵ کیلویی» و با این جمله طنز ایجاد می‌کردند. اینها جملاتی بودند که در دهان بازیگران خوب می چرخیدند و به تکیه‌کلام تبدیل شده‌بودند.

کد بالا را اسکن کنید

لیسانسه‌های نمکی

وقتی نام سریال «لیسانسه‌ها» برده می‌شود، تیپ و رفتار حبیب یکی از لیسانسه‌ها در ذهن تداعی می‌شود. حبیب با بازی هوتن شکیبا که با تعریف جوک، استایل بامزه خود در پوشیدن کت و شلوار و کتونی، مورد توجه قرار گرفت. تکیه‌کلام‌های پرتکرار سکانس‌های او (چراااا من؟) با حالت دستانش که به طرف خود اشاره می‌کرد و از طرف مقابل سؤالش را می‌پرسید، بین طرفدارانش باب شد. بیژن بنفشه خواه هم در نقش دکتر مهاجر با بازی و توانمندی‌هایش بیشتر به چشم آمد و به گفته خود، مردم او را که می‌بینند دست‌هایشان را مثل نقش دکتر مهاجر بالا می‌آورند و می‌گویند (سپاااااااس) (شاد و پیروز باشید). مسعود هم که مدام خودش را برای نامزدش لوس می‌کرد و می‌گفت: «عجقم، عجیجم».

قصه‌های خان قلهک

«مربا بده بابا» تکیه‌کلام مهران مدیری در مجموعه «باغ مظفر» بود که سال ۱۳۸۵ از تلویزیون پخش شد. مدیری در این مجموعه نقش خان قدیم قلهک را داشت که سحر جعفری جوزانی نقش دخترش را بازی می‌کرد. آنها معمولا سر میز صبحانه بودند و مدیری از دخترش درخواست مربا می‌کرد و همین تکیه‌کلام تا سال‌ها معروف شده‌بود و عده‌ای به کار می‌بردند. در این مجموعه شخصیت دیگری به نام قل‌مراد بود که رضا شفیعی جم آن را بازی می‌کرد و با گویش خاصی می‌گفت: «ها؟ قل مراد داره می‌خنده، قل مراد داره گریه می‌کنه.»

کد بالا را اسکن کنید

گپ

نباید از مردم عقب بمانیم

برزو نیک‌نژاد، کارگردان سریال‌هایی چون: دردسرهای عظیم، قرعه و دودکش۲ یکی از نویسنده‌های سری اول «دودکش» بود که توانست تکیه‌کلام‌های به ضرس قاطع، آمپاس و قمپز را بین مردم جا بیندازد. او درباره این اتفاق به جام‌جم می‌گوید: من فکر می‌کنم تکیه‌کلامی در یک سریال مورد توجه مردم قرار می‌گیرد، بستگی به شرایط جامعه و زندگی مردم دارد. یعنی اگر دیالوگ‌ها به نسبت زمانه نوشته شود، می‌گیرد. اما گاهی ما از زمانه مردم عقب‌تر هستیم. یعنی کسانی که کارهای نمایشی انجام می‌دهند، نباید عقب‌تر از مردم باشند. بنابراین وقتی ما به عنوان کسانی که سازندگان آثار نمایشی هستیم، نمی‌دانیم چه می‌خواهیم و مردم از ما چه می‌خواهند، اتفاقی نمی‌افتد. وی ادامه می‌دهد: اتفاق تکیه‌کلام‌ها مثل اتفاقات روزمره مردم است. مثالی در این باره می‌زنم. در دورانی «هشتک» برای مردم جذاب است و در زمانی دیگر به نوستالژی تبدیل می‌شود. زمانی آمپاس و قمپز برای مردم جذاب است و در زمانی دیگر کلمات جدید دیگری که ابداع می‌شوند برای آنها جذاب می‌شود و رسما وارد زبان و ادبیات‌مان می‌شوند. بنابراین باید ببینیم در آن دوره‌ای که کار می‌کنیم، خاستگاه جامعه چیست. ضمن این‌که بعضی اوقات یک سری تکیه‌کلام‌ها در طول زمان جواب می‌دهد. یا این‌که بعضی تکیه‌کلام‌ها بین نوجوان‌ها یا جوان‌ها رواج پیدا می‌کند و به اصطلاح می‌گیرد. بنابراین ابعادی گسترده دارد و همه چیز به شناخت نویسنده‌ها و دست‌اندرکاران آثار نمایشی از شرایط روز جامعه دارد.

سکانس

معمولی‌های دوست‌داشتنی

مجموعه «پایتخت» را می‌توان یکی از پرتکیه‌کلام‌ترین مجموعه‌های تلویزیونی دانست که در آن همه شخصیت‌ها دیالوگ‌های مخصوص به خود را داشتند و خیلی زود هم سر زبان‌ها افتاد. از کاراکتر نقی گرفته تا بابا پنجعلی که شاید تنها بازیگری بود که با کمترین دیالوگ توانست مورد توجه قرار بگیرد و به شخصیت محبوبی تبدیل شود که آن هم به خاطر توانمندی‌های علیرضا خمسه بود. این مجموعه در شش فصل ساخته شده و هنوز هم تکیه‌کلام‌هایش را می‌توان در جامعه شنید.

برای دیدن گزارش تصویری کیوآرکد را اسکن کنید

نگاه

اشتباه‌های لفظی

اگر نگاهی به سریال‌های قدیمی داشته باشیم حتما مجموعه «مجید دلبندم» را به یاد خواهید آورد؛ مجموعه‌ای که با یک عروسک به‌نام مجید توانست نظر مخاطبان را در هر سن‌وسالی جلب کند.

مخاطبان با تماشای این سریال تکیه‌کلام‌هایی را یاد گرفتند که برای‌شان جذابیت داشت. این تکیه‌کلام‌ها هم از سوی بازیگران سریال و هم از سوی عروسک مجموعه که یک پسربچه با دست‌های دراز بود به کار می‌رفت.

«مجید دلبندم؟» به قدری این تکیه‌کلام معروف شد که حتی یک سریال به همین نام از دل مجموعه «سیب‌خنده» به کارگردانی رضا عطاران برآمد. این تکیه‌کلام بهراد با بازی بهراد خرازی در مقابل مجید با بازی مجید صالحی بود که در مجموعه سیب‌خنده به کار می‌برد و هر بار که مجید کلمه‌ای را اشتباه می‌گفت از آن استفاده می‌کرد.

در این مجموعه شخصیت دیگری هم وجود داشت که جواد رضویان آن را بازی می‌کرد. او لباس سفید می‌پوشید و قصد داشت کمک‌های اولیه را آموزش دهد اما هر بار یک مصدوم روی دستش می‌ماند و می‌گفت: «مصدوم آماده است».

رخ

زوج‌های همسایه

«اوا کمال؟» حتما این تکیه‌کلام مهین با بازی مهرانه مهین‌ترابی را به خاطر دارید که هر وقت نسبت به همسرش کمال با بازی فردوس کاویانی در سریال «همسران» که سال ۱۳۷۳ ساخته شد، هیجان‌زده یا متعجب می‌گردید، به کار می‌برد و خیلی هم مورد توجه مردم قرار گرفته بود و مدام آن را بین خودشان تکرار می‌کردند. حتی گاهی در برخورد با این بازیگران هم این تکیه‌کلام را استفاده می‌کردند.

این سریال نکته بانمک دیگری هم داشت که مورد توجه بیننده‌ها قرار گرفته بود. «باتشکر از خانواده محترم رجبی» که در تیتراژ پایانی سریال می‌آمد و مردم طنزگونه این جمله را به کار می‌بردند. البته این جمله در سریال‌های دیگری مثل «خانه‌سبز» هم به کار برده شد اما هنوز هم با شنیدن این جمله این دو سریال برای ما تداعی می‌شود.

سریال همسران جزو آثار پربیننده در تلویزیون بود که با اقبال گسترده مردم روبه‌رو شد. تکیه‌کلام این سریال در میان مردم رد و بدل و به لحظات خنده و شادی در میان آنها منجر می‌شد.